



و به ایشان کمک می‌کنیم. من، حتی اگر بفهمم یک خانواده در یک شهر دیگر گرسنه است، همه تلاش خود را می‌کنم که به آن‌ها کمک کنم. نمی‌توانم این را بپذیرم که کسی گرسنه باشد.

مسجد ما فقط موقت داشت

مادر همین مغازه «دیوار مهر بانی» هم برپا می‌کنیم. همین چند روز قبل ژاکت بین بچه‌ها توزیع کردیم. من سه سال عضو هیئت امنای مسجد «امیر المؤمنین» در «عباس آباد ۷» بودم. سعی کردیم در این مدت بخش‌هایی از مسجد مثل آشپزخانه را بازسازی کنیم. بعد از مدتی بزرگان محل مسئولیت ساخت مسجد «حضرت ابوالفضل (ع)» در «عباس آباد ۱۹» را به من دادند. ظاهراً یک خیری آمده بود و ۶۰۰ متر زمین را وقف ساخت مسجد کرده بود. بعد از اینکه زمین مسجد را تحویل گرفتیم آن را هموار کردیم؛ بعد موقت پهن کردیم و برای مدت‌ها روی همان موقت زیر آسمان نماز جماعت برگزار می‌کردیم، تا اینکه محرم و صفر نزدیک شد و مردم می‌خواستند عزاداری کنند. هوا هم سرد شده بود و نمی‌توانستیم زن و بچه مردم را در هوای سرد بدون امکانات رها کنیم. آمدیم نزدیک به ۲۰۰ متر را در بست زدیم و روی آن چادر کشیدیم.

زمین مسجد، متری ۲۰۰ هزار تومان

بعد از اینکه محرم و صفر تمام شد با شهرداری هماهنگ کردیم و اجازه احداث یک فضای موقت را در ۱۳۰ متر زیر بنا گرفتیم. در شرایطی که پول نداشتیم با همکاری مردم ۱۳۰ متر فضا را به صورت یک سالن در محل زمین مسجد احداث کردیم. بعد از این همان‌جا نماز جماعت برگزار شد و ما برنامه‌های فرهنگی را هم برگزار کردیم. وقتی در یک محله مسجد باشد پای بچه‌ها به مسجد باز می‌شود و وقتی بچه‌ای مسجدی شود مطمئن باشید دیگر راه کج نمی‌رود. خوشبختانه حالا ۵۰۰ متر زمین دیگر به مسجد اضافه کرده‌ایم. برای خرید چک داده‌ایم. برای اینکه بتوانیم چک‌های زمین مسجد را پاس کنیم زمین مسجد را متری ۲۰۰ هزار تومان می‌فروشیم. این زمین‌ها از نیم متر فروخته می‌شود تا هر چقدر که مؤمنان بخواهند. این طرح از خود من بود. حالا چهار ماه است از همین طریق چک‌های زمین مسجد را پاس می‌کنیم.

کاری که برای خدا باشد بی‌جواب نمی‌ماند

به نظر من کاری که برای خدا باشد بی‌جواب نمی‌ماند. وقتی شما با خدا معامله می‌کنید خدا جواب شما را نقد می‌دهد. در مسجد نیازی نیست کار کنید؛ کار را خدا می‌کند؛ شما فقط پنهان هستید. باور کنید ۲۵ تا کارگر و استادکار بنا اینجا کار می‌کردند. یک‌بار یکی از گچ‌کارهای محل آمد و گفت: «من می‌خواهم برای شادی روح مادرم بخشی از دیوار مسجد را گچ کنم». یک‌بار یکی از همکارانم آمد و گفت: «چه کاری کنید؟». گفتیم: «مسجد محله را می‌سازیم». سریع رفت لباس پوشید و با کارگرانش آمد کمک ما. برنامه ما برای مسجد حضرت ابوالفضل (ع) این است که آنجا حوزه علمیه درست کنیم. این روزها هم داریم در مسجد را در کارگاه جوش کاری می‌سازم.

اولین ستاد از دواج آسان مشهد در محله ما تشکیل شد

ما اولین ستاد ازدواج آسان را به نام «ستاد ازدواج آسان محله مهدی آباد» در مشهد تشکیل دادیم. در این ستاد سعی می‌کنیم شرایط ازدواج ساده را برای زوج‌های جوان فراهم کنیم. همچنین با خیران هماهنگ می‌کنیم که برای دختر خانم‌هایی که جهیزیه ندارند شرایط تهیه جهیزیه فراهم شود. سه سال است که این کار را شروع

کرده‌ایم. شهردار قبلی مشهد ۱۱ نفر از اعضای این ستاد را به دلیل این کار خیر به کربلا فرستاد. شرایط اقتصادی مردم این منطقه ضعیف است؛ به همین دلیل نمی‌توانند به سفر و تفریح بروند؛ برای همین ما در هماهنگی با شهرداری منطقه ۵ آن‌ها را همراه با خانواده‌هایشان به مناطق تفریحی می‌بریم و از آنان پذیرایی می‌کنیم.

دیگر کسی نمی‌تواند تک‌چرخ بزند

زمستان امسال به دلیل بارش زیاد برف منتظر دوستان شهرداری نمادیم و هم محلی‌ها را بسیج کردیم تا کوجه‌ها و خیابان‌های محله را تمیز کنند. قبلاً مردم زباله‌ها را در خیابان می‌گذاشتند. به شهرداری گفتیم و سه تا باکس گذاشتیم که زباله‌ها جمع‌آوری شود. در اقدامی دیگر سرعت‌گیرهایی را در طول خیابان اصلی نصب کردیم و حالا کسی نمی‌تواند تک‌چرخ بزند. من همیشه به بچه‌هایم می‌گویم: «تاجایی که چشمتان می‌بیند و می‌توانید به کسی کمک کنید باید وظیفه خود را انجام بدهید، چون شما در قبال هم‌نوعان خود مسئول هستید.»

کارمندان شهرداری با رباب‌ر جوع رفتار مناسبی ندارند

یک گله هم از دوستان شهرداری دارم. کارمندان شهرداری با رباب‌ر جوع رفتار نامناسبی دارند. ما نباید با همه مثل مته‌م و مجرم برخورد کنیم. افرادی که به شهرداری مراجعه می‌کنند همه بزرگان و معتمدین محل هستند و برای حل مشکل مردم پیش آن‌ها می‌روند. وظیفه من است که نوکری مردم را نکنم. این صندلی‌ها به هیچ‌کس وفا نکرده است؛ در نتیجه ما باید سعی کنیم از خود نام خوبی بر جا بگذاریم. ناگفته نماند که شهرداری منطقه ۵

در شرایطی که پول نداشتیم با همکاری مردم ۱۳۰ متر فضا را

به صورت یک سالن در محل زمین مسجد

احداث کردیم. بعد از این همان‌جا نماز جماعت برگزار شد و ما برنامه‌های

فرهنگی را هم برگزار کردیم. وقتی در یک محله مسجد باشد پای

بچه‌ها به مسجد باز می‌شود و وقتی بچه‌ای مسجدی شود مطمئن

باشید دیگر راه کج نمی‌رود. خوشبختانه حالا

۵۰۰ متر زمین دیگر به مسجد اضافه کرده‌ایم

انرژی انجام‌دادن کارهای خیر را از خدا می‌گیرم

من انرژی خود را برای انجام‌دادن کار خیر از خدا می‌گیرم. همسر من هم در انجام‌دادن کار خیر همکاری من است؛ زمانی که من در خانه نباشم او تخم‌مرغ‌ها را بین مردم توزیع می‌کند. مهم‌ترین آرزوی من این است که عاقبت به‌خیر شوم. این روزها همه دغدغه من فصل بازرگشایی مدارس شده است. امیدوارم تا زمان بازرگشایی مدرسه بتوانم کاری برای بچه‌های نیازمند انجام بدهم. من هر سال در آستانه مدرسه در مغازه برای بچه‌ها آرایشگاه رایگان راه می‌اندازم و آرایشگرهایی که به دعوت من می‌آیند موهایی آن‌ها را رایگان اصلاح می‌کنند. وقتی می‌فهمم که بچه‌ای از مدرسه مانده است خیلی ناراحت می‌شوم و همه تلاش خود را می‌کنم که هیچ بچه‌ای از تحصیل باز نماند. من هر چه سنم بالاتر رفت عقلم کامل‌تر شد و این مهم‌ترین دلیل وقتی است که برای انجام‌دادن کار خیر می‌گذارم. وقتی کسی برای انجام‌دادن کار خیر می‌آید من راه‌های مختلفی برای کمک کردن پیش پای او قرار می‌دهم تا کار خیر را به‌ثمر برسانیم؛ در واقع من کاری می‌کنم که خیر باز هم پیش ما بیاید.